

الغدير و وحدت اسلامي

<?xml encoding="UTF-8?">

کتاب شريف " الغدير " موجي عظيم در جهان اسلام پديد آورده است . انديشمندان اسلامي ، از زوايا و جوانب مختلف : ادبي ، تاريخي ، کلامي ، حديثي ، تفسيری ، اجتماعي بدان نظر افکنده اند . آنچه از زاويه اجتماعي مي توان بدان نظر افکند ، " وحدت اسلامي " است .

مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامي عصر ما ، اتحاد و همبستگي ملل و فرق اسلامي را ، خصوصا در اوضاع و احوال کنوني که دشمن از همه جوانب بدانها هجوم آورده و پيوسته با وسايل مختلف در پي توسعه خلافت کهن و اختراع خلافت نوين است ، از ضروريترين نيازهاي اسلامي مي دانند . اساسا چنانکه مي دانيم وحدت اسلامي و اخوت اسلامي ، سخت مورد عنايت و اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهم مقاصد اسلام است .

قرآن و سنت و تاريخ اسلام گواه آن مي باشد .

از اين رو ، براي برخي اين پرسش پيش آمده که آيا تأليف و نشر کتابي مانند " الغدير " که به هر حال موضوع بحث آن ، کهنترين مسئله خلافي مسلمين است مانعي در راه هدف مقدس و ايده آل عالي " وحدت اسلامي " ايجاد نمي کند ؟

ما لازم مي دانيم مقدمات اصلي مطلب را - يعني مفهوم و حدود وحدت اسلامي - را روشن کنيم ، سپس نقش کتاب شريف " الغدير " و مؤلف جليل القدرش ، " علامه اميني " رضوان الله عليه ، را توضيح دهيم .

وحدت اسلامي

مقصود از وحدت اسلامي چيست ؟ آيا مقصود اين است : از ميان مذاهب اسلامي يکي انتخاب شود ، و ساير مذاهب کنار گذاشته شود . يا مقصود اين است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود ، و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود ، و مذهب جديدي بدین نحو اختراع شود ، که عين هيچ يک از مذاهب موجود نباشد ؟ يا اينکه وحدت اسلامي ، به هيچوجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد ، و مقصود از اتحاد مسلمين ، اتحاد پيروان مذاهب مختلف ، در عين اختلافات مذهبي ، در برابر بيگانگان است ؟

مخالفين اتحاد مسلمين ، براي اينکه از وحدت اسلامي ، مفهومي غير منطقي و غير عملي بسازند ، آن را به نام وحدت مذهبي توجيه مي کنند تا در قدم اول ، با شکست مواجه گردد . بديهي است که منظور علمای روشنفکر اسلامي از وحدت اسلامي ، حصر مذاهب به يک مذهب ، و يا اخذ مشترکات مذاهب و طرف مفترقات آنها که نه معقول و منطقي است و نه مطلوب و عملي ، نيست . منظور اين دانشمندان ، متشکل شدن مسلمين است در يک صف در برابر دشمنان مشترکشان .

اين دانشمندان مي گویند مسلمين مايه وفاقهاي بسياري دارند که مي تواند مبنای يک اتحاد محکم گردد ، مسلمين همه خدای يگانه را مي پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ايمان و اذعان دارند ، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است ، با هم و مانند هم حج مي کنند و مانند هم نماز مي خوانند و مانند هم روزه مي گيرند و مانند هم تشکيل خانواده مي دهند و داد و ستد مي نمايند و کودکان خود را تربيت مي کنند و اموات خود را دفن مي نمايند . و جز در اموري جزئي ، در اين کارها با هم تفاوتی ندارند . مسلمين همه از يک نوع جهان بينی

برخورد دارند و يك فرهنگ مشترك دارند و در يك تمدن عظيم و با شكوه و سابقه دار شركت دارند .

وحدت در جهان بينی ، در فرهنگ ، در سابقه تمدن ، در بينش و منش ، در معتقدات مذهبی ، در پرستشها و نيایشها ، در آداب و سنن اجتماعی خوب مي‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظيم و هایل به وجود آورد که قدرتهای عظيم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند ، خصوصا اینکه در متن اسلام بر اين اصل تأکید شده است . مسلمانان به نص صريح قرآن برادر يکديگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به يکديگر مربوط مي‌کند . با اين

وضع چرا مسلمين از اين همه امکانات وسيع که از برکت اسلام نصيبشان گشته استفاده نکنند ؟

از نظر اين گروه از علمای اسلامی ، هيچ ضرورتی ايجاب نمي‌کند که مسلمين به خاطر اتحاد اسلامی ، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول يا فروع مذهبي خود بنمایند . همچنانکه ايجاب نمي‌کند که مسلمين درباره اصول و فروع اختلافی فيما بين ، بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند . تنها چیزی که وحدت اسلامی ، از اين نظر ، ايجاب مي‌کند ، اين است که مسلمين براي اینکه احساسات کينه توزی در ميانشان پيدا نشود ، يا شعله ور نگردد متانت را حفظ کنند ، يکديگر را سب و شتم ننمایند ، به يکديگر تهمت نزنند و دروغ نبنند ، منطق يکديگر را مسخره نکنند ، و بالاخره ، عواطف يکديگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند . و در

حقيقت لاقبل حدودی را که اسلام در دعوت غير مسلمان به اسلام ، لازم دانسته است ، درباره خودشان رعايت کنند . « ادع الى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هي احسن » . برای برخی اين تصور پيش آمده که مذاهبی که تنها در فروع با يکديگر اختلاف دارند ، مانند شافعی و حنفی ، مي‌توانند با هم رادر باشند و با يکديگر در يك صف قرار گیرند ، اما مذاهبی که در اصول با يکديگر اختلاف نظر دارند به هيچ وجه نمي‌توانند با يکديگر برادر باشند . از نظر اين دسته ، اصول مذهبی مجموعه‌ای به هم پيوسته است و به اصطلاح اصوليون از نوع " اقل و اکثر ارتباطی " است ، آسیب دیدن یکی عين آسیب دیدن همه است . علیهذا آنجا که مثلا اصل " امامت " آسیب مي‌پذیرد و قرباني مي‌شود ، از نظر معتقدین به اين اصل ، موضوع وحدت و اخوت منتفی است . و به همین دلیل شيعه و سنی به هيچ وجه نمي‌توانند دست يکديگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در يك جبهه قرار گیرند ، دشمن هر که باشد .

گروه اول به اين گروه پاسخ مي‌دهند ، مي‌گویند : دلیلی ندارد ما اصول را در حکم يك مجموعه به هم پيوسته بشماريم ، و از اصل " يا همه يا هيچ " در اينجا پيروی کنيم . اينجا جای قاعده الميسور لايسقط بالمعسور و ما لايدرك كله لايتترك كله است . سیره و روش شخص اميرالمؤمنين علی ، عليه السلام ، برای ما بهترين و آموزنده ترين درسهاست . علی ، عليه السلام ، راه و روشی بسيار منطقی و معقول که شايسته بزرگواری مانند او بود اتخاذ کرد .

او برای احقاق حق خود ، از هيچ کوششی خودداری نکرد ، همه امکانات خود را به کار برد که اصل امامت را احيا کند ، اما هرگز از اشعار " يا همه يا هيچ " پيروی نکرد . بر عکس ، اصل مالايديرك كله لايتترك كله را مبناي کار خویش قرار داد .

علی در برابر ربايندگان حقش قيام نکرد و قيام نکردنش اضطراری نبود ، بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود . او از مرگ بيم نداشت ، چرا قيام نکرد ، حداکثر اين بود که کشته شود ، کشته شدن در راه خدا منتهای آرزوی او بود ، او همواره در آرزوی شهادت بود و با آن ، از کودک به پستان مادر مأنوستر بود . علی در حساب صحيحش بدین نکته رسیده بود که مصلحت اسلام در آن شرائط ترك قيام و بلکه همگامی و همکاری است . خود کرارا به اين مطلب تصريح مي‌کند .

در یکی از نامه‌های خود به مالك اشتر (نامه 62 از نامه‌های " نهج البلاغه " مي‌نويسد : « فامسكت يدي حتى رأيت راجعة الناس قد رجعت عن الاسلام ، يدعون الى محق دين محمد صلى الله عليه و آله ، فخشيت ان لم انصر الاسلام و اهله ، ارى فيه ثلما او هدمًا تكون المصيبة به على اعظم من فوت ولايتكم التي انما هي متاع ايام قلائل » . من اول دست خود را پس كشيدم ، تا ديدم گروهی از مردم از اسلام بازگشتند و مردم را به نابودی دين محمد (ص) دعوت مي‌کنند . پس ترسيدم که اگر به یاری اسلام و مسلمين بر نخيزم شکاف يا انهدامي در اسلام خواهم دید که مصيبت آن از فوت خلافت چند روزه بسی بيشتر است .

در شورای شش نفری پس از تعيين و انتخاب عثمان به وسيله عبدالرحمان بن عوف ، علی عليه السلام ، شکايت و هم آمادگی خود را برای همکاري اينچنين بيان کرد : « لقد علمتم اني احق الناس بها من غيري ، و الله لاسلمن ما سلمت امور المسلمين ، و لم يكن فيها جور الا على خاصة » (نهج البلاغه ، خطبه 72) يعنی : شما خود مي‌دانيد من از همه برای خلافت شايسته ترم ، و حال به خدا قسم مادامي که کار مسلمين روبراه باشد ، و رقيباني من تنها به کنار زدن من قناعت کنند و تنها شخص من مورد ستم واقع شده باشد ، مخالفتی نخواهم کرد و تسليم خواهم بود .

اينها مي‌رساند که علی ، اصل " يا همه يا هيچ " را در اين مورد محکوم مي‌دانسته است . نيازی نيست درباره روش و سيره علی عليه السلام در اين موضوع بيشتر بحث شود ، شواهد و دلائل تاريخی در اين زمينه فراوان است .

علامه اميني (ره)

اکنون نوبت آن است که ببينيم علامه بزرگوار آيت الله اميني ، مؤلف جليل القدر " الغدير " از کدام دسته است و چگونه مي‌انديشيده است ؟

آيا ايشان وحدت و اتحاد مسلمين را تنها در دايره تشيع قابل قبول مي‌دانسته‌اند ، يا دايره اخوت اسلامي را وسيعتر مي‌دانسته و معتقد بوده‌اند اسلام که با اقرار و اذعان به شهادتين محقق مي‌شود ، خواه ناخواه حقوقی را به عنوان حق مسلمان بر مسلمان ايجاد مي‌کند و صله اخوت و برادری که در قرآن به آن تصريح شده ميان همه مسلمين محفوظ است .

علامه اميني به اين نکته که لازم است نظر خود را در اين موضوع روشن کنند و اينکه نقش الغدير در وحدت اسلامي چيست ، آيا مثبت است يا منفی ؟

خود كاملاً توجه داشته‌اند و برای اينکه از طرف معترضان اعم از آنان که در جبهه مخالف خودنمايي مي‌کنند و آنهایی که در جبهه موافق خود را جا زده‌اند مورد سوء استفاده واقع نشود ، نظر خود را مکرر توضيح داده و روشن کرده‌اند .

علامه اميني طرفدار وحدت اسلامي هستند و با نظری وسيع و روشن بينانه بدان مي‌نگرند . معظم له در فرصتهای مختلف در مجلدات الغدير اين مسئله را طرح کرده‌اند و ما قسمتی از آنها را در اينجا نقل مي‌کنيم :
در مقدمه جلد اول ، اشاره کوتاهی مي‌کنند به اينکه الغدير ، چه نقشی در جهان اسلام خواهد داشت . مي‌گويند : " و ما اينهمه را خدمت به دين ، و اعلاء کلمه حق ، و احياء امت اسلامي مي‌شماريم " .

در جلد سوم ، صفحه 77 ، پس از نقل اکاذيب ابن تيميه و آلوسی و قصيمي ، مبني بر اينکه شيعة برخی از اهل بيت را ، از قبيل زيد بن علی بن الحسين دشمن مي‌دارد ، تحت عنوان " نقد و اصلاح " مي‌گويند :

"... این دروغها و تهمتها تخم فساد را می‌کارد و دشمنیها را میان امت اسلام بر می‌انگیزد و جماعت اسلام را تبدیل به تفرقه می‌نماید و جمع امت را متشتت می‌سازد و با مصالح عامه مسلمین تضاد دارد".

نیز در جلد سوم ، صفحه 268 ، تهمت سید رشید رضا را به شیعه ، مبنی بر اینکه " شیعه از هر شکستی که نصیب مسلمین شود خوشحال می‌شود تا آنجا که پیروزی روس را بر مسلمین در ایران جشن گرفتند " نقل می‌کنند ، و می‌گویند : " این دروغها ساخته و پرداخته امثال سید محمد رشید رضا است . شیعیان ایران و عراق که قاعدتا مورد این تهمت هستند ، و همچنین مستشرقان و سیاحان و نمایندگان ممالک اسلامی و غیر هم ، که در ایران و عراق رفت و آمد داشته و دارند خبری از این جریان ندارند . شیعه بلا استثناء ، برای نفوس و خون و حیثیت و مال عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی احترام قائل است . هر وقت مصیبتی برای عالم اسلام در هر کجا و هر منطقه و برای هر فرقه پیش آمده است ، در غم آنها شریک بوده است . شیعه هرگز اخوت اسلامی را که در قرآن و سنت بدان تصریح شده محدود به جهان تشیع نکرده است . و در این جهت فرقی میان شیعه و سنی قائل نشده است " .

نیز در پایان جلد سوم ، پس از انتقاد از چند کتاب از کتب قدما ، از قبیل عقد الفرید ابن عبدربه ، الانتصار ابوالحسین خیاط معتزلی ، الفرق بین الفرق ابومنصور بغدادی ، الفصل ابن حزم اندلسی ، الملل و النحل محمد بن عبدالکریم شهرستانی ، منهاج السنه ابن تیمیه ، والبدایة و النهایه ابن کثیر و چند کتاب از کتب متأخرین ، از قبیل تاریخ الامم الاسلامیه شیخ محمد خضری ، فجر الاسلام احمد امین ، الجولة فی ربوع الشرق الادنی محمد ثابت مصری ، الصراع بین الاسلام و الوثنیة قصیمی ، و الوشیعة موسی جار الله می‌گویند :

" هدف ما از نقل و انتقاد این کتب ، این است که به امت اسلام اعلام خطر کنیم و آنان را بیدار نماییم که این کتابها بزرگترین خطر را برای جامعه اسلامی به وجود می‌آورد ، زیرا وحدت اسلامی را متزلزل می‌کند ، صفوف مسلمین را می‌پراکند ، هیچ عاملی بیش از این کتب صفوف مسلمین را از هم نمی‌پاشد و وحدتشان را از بین نمی‌برد و رشته اخوت اسلامی را پاره نمی‌کند " .

علامه امینی در مقدمه جلد پنجم ، تحت عنوان " نظریة کریمة " به مناسبت یکی از تقدیر نامه‌هایی که از مصر ، درباره الغدیر رسیده است ، نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن می‌کنند و جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارند ، می‌گویند :

" عقاید و آراء درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله « انما المؤمنون اخوه » بدان تصریح کرده پاره نمی‌کند ، هر چند کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به اوج خود برسد ، سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است .

" ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام ، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم ، یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خداست . در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکمفرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است " .

" ما مؤلفان اسلامی همه در زیر پرچم حق زندگی می‌کنیم و در تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می‌نماییم. پیام همه ما این است که : « ان الدین عند الله الاسلام » و شعار همه ما " لا اله الا الله و محمد رسول الله " است . آری ما حزب خدا و حامیان دین او هستیم ! "

علامه امینی در مقدمه جلد هشتم تحت عنوان " الغدیر یوحد الصفوف فی الملا الاسلامی " مستقیماً وارد بحث نقش الغدیر در وحدت اسلامی می‌شوند .

معظم له ، در این بحث ، اتهامات کسانی را که می‌گویند الغدير موجب تفرقه بیشتر مسلمین می‌شود ، سخت رد می‌کنند ، و ثابت می‌کنند که بر عکس ، الغدير بسیاری از سوء تفاهمات را از بین می‌برد و موجب نزدیکتر شدن مسلمین به یکدیگر می‌گردد . آنگاه اعترافات دانشمندان اسلامی غیر شیعه را در این باره شاهد می‌آورند و در پایان ، نامه شیخ محمد سعید دحدوح را به همین مناسبت نقل می‌کنند .

ما برای پرهیز از اطاله بیشتر ، از نقل و ترجمه تمام گفتار علامه امینی تحت عنوان بالا که همه در توضیح نقش مثبت الغدير در وحدت اسلامی است صرف نظر می‌کنیم ، زیرا آنچه نقل کردیم برای اثبات مقصود کافی است . نقش مثبت الغدير ، در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می‌کند و ثابت می‌کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع بر خلاف تبلیغات زهر آگین عده‌ای مولود جریانهای سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است ، بلکه يك منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است ، ثانیاً ثابت می‌کند که پاره‌ای اتهامات به شیعه که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است از قبیل اینکه شیعه غیر مسلمان را بر مسلمان غیر شیعه ترجیح می‌دهد و از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیر مسلمانان شادمان می‌گردد ، و از قبیل اینکه شیعه به جای حج به زیارت ائمه می‌رود ، یا در نماز چنین می‌کند و در ازدواج موقت چنان ، به کلی بی اساس و دروغ است ، ثالثاً شخص شخیص امیرالمؤمنین علی علیه السلام را که مظلومترین و مقدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می‌تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود ، و همچنین ذریه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می‌کند .

برداشت دیگران از الغدير

برداشت بسیاری از دانشمندان بیغرض مسلمان غیر شیعه از " الغدير " همین است که ما گفتیم .

محمد عبدالغنی حسن مصری ، در تقریظ خود بر الغدير که در مقدمه جلد اول ، چاپ دوم ، چاپ شده است می‌گوید :

" از خداوند مسئلت می‌کنم که برکه آب زلال شما را (غدير در عربی به معنای گودال آب است) سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد که دست به دست هم داده ، بناء امت اسلامی را بسازند " .

عادل غضبان مدیر مجله مصری " الکتاب " در مقدمه جلد سوم می‌گوید :

این کتاب ، منطق شیعه را روشن می‌کند و اهل سنت می‌توانند به وسیله این کتاب شیعه را به طور صحیح بشناسند . شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود ، و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند .

دکتر محمد غلاب ، استاد فلسفه در دانشکده اصول دین جامع از هر ، در تقریظی که بر الغدير نوشته و در مقدمه جلد چهارم چاپ شده است می‌گوید :

" کتاب شما در وقت بسیار مناسبی به دستم رسید ، زیرا اکنون مشغول جمع آوری و تألیف کتابی درباره زندگی مسلمین از جوانب مختلف هستیم ، لهذا خیلی مایلیم که اطلاعات صحیحی درباره شیعه امامیه داشته باشیم . کتاب شما به من کمک خواهد کرد و من دیگر مانند دیگران درباره شیعه اشتباه نخواهم کرد " .

دکتر عبدالرحمان کیالی حلبی ، در تقریظ خود که در مقدمه جلد چهارم الغدير چاپ شده ، پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر ، و اینکه چه عواملی می‌تواند مسلمین را نجات دهد ، و پس از اشاره به اینکه شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم یکی از آن عوامل است ، می‌گوید :

" کتاب الغدير و محتويات غنی آن ، چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد ، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده‌اند ، و حقیقت کجاست . ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم " .

آری آن بود وجهه نظر علامه امینی درباره مسئله مهم اجتماعی عصر ما ، و این است عکس العمل نیکوی آن در جهان اسلام . - رضوان الله علیه .

منبع:

برگرفته از کتاب : شش مقاله (الغدير و وحدت اسلامی)